

کلاهبرداری با تقلید صدای مجریان صداوسیما

پلیس فتا با ارسال پیامک انبوه به هموطنان هشدار داد؛ هرگونه تماس تلفنی با خطوط شخصی مبنی بر دریافت جوایز در مسابقات رادیویی، خوش حسایی تلفن همراه و... کلاهبرداری است، لذا از واگذاری کد و رمز پیامک‌شده در جهت جلوگیری از سرقت از حساب بانکی به افراد غیر خودداری کنید. سرهنگ رامین یاشایی، معاون اجتماعی پلیس فتای فراجا دراین باره گفت: متأسفانه هرکس می‌تواند با داشتن یک گوشی تلفن همراه یا خط تماس ثابت سر مردم کلاه بگذارد.وی با هشدار نسبت

احسان امانی، بازیگر سریال «تمام رخ» در گفت وگو با «جام جم»:

نقش‌های منفی برایم جذاب‌تر است

«تمام رخ» یکی از سریال‌های پر مخاطب است که اخیراً روی آنتن شبکه سه رفته. مجموعه‌ای پلیسی و امنیتی که در کنارش به روابط و مسائل خانوادگی هم توجه دارد. از جمله روایت پیمان با همسر و خانواده‌اش و ماجراهایی که در این میان شکل می‌گیرد. یکی از کاراکترهایی که در این داستان وجود دارد، شخصیت شیبانی با بازی احسان امانی است. مرد میان‌سالی که به‌رغم درگیری‌هایی که با دخترانش برای ازدواج با ناهید داشته اما با این دختر جوان ازدواج می‌کند و همین وصلت عواقبی هم در پی دارد.

امانی در اغلب سریال‌هایی که بازی کرده ایفاگر نقش‌های منفی بوده است که به‌گفته خودش یکی از دلایل انتخاب چنین نقش‌هایی جذابی است که برای بازیگری چون او دارد. او پیش از این در سریال‌های بوی باران، ماه و پلنگ، بچه همدس ۳، لحظه گرگ و میش و بانوی عمارت حضور داشته است. «جام‌جم» با او پیرامون حضورش در سریال تمام رخ و شخصیت شیبانی گفت‌وگویی داشته که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید.

۴۱ شما در مجموعه‌های بسیاری ایفاگر نقش‌های منفی یا خاستگری بودید. شخصیت شیبانی در «تمام رخ» چه ویژگی و چالشی برای شما به همراه داشت که برای بازی در این نقش ترغیب‌شدید؟

همان‌طور که گفتید اصولاً من نقش منفی زیاد بازی می‌کنم. واقعیت این است که چنین نقش‌هایی هم بیشتر به من پیشنهاد می‌شود، البته می‌دانید که بازی در چنین نقش‌هایی بسیار سخت‌تر از نقش‌های مثبت است و یکی از دلایل جذابیتم برای بازیگران همین چالشی است که بازیگر با نقش دارد. شیبانی هم برای من نقش جذابی بود، چون شخصیت منفی‌ای داشت.

۴۲ پس شما هم شیبانی را یک کاراکتر منفی می‌بینید اما نه تالین حد که به یک شخصیت منفور تبدیل شود. فکر می‌کنم همین ویژگی بازی در قالب چنین شخصیتی را سخت‌تر هم می‌کند. چون پیچیدگی‌های خاصی دارد.

من شیبانی را خیلی منفی می‌بینم. به هر حال او با سنی که دارد، با یک دختر جوان که هم سن و سال دخترانش است ازدواج کرده و در جوانی هم کارهایی کرده که خطا محسوب می‌شود اما از موضع خود عقب‌نشینی نمی‌کند و از کارهای سابقش به‌هیچ‌وجه نادم نیست و همچنان در دیالوگ‌هایش با ناهید هم بیان می‌کند که هیچ خطایی نکرده و هر چه در زندگی به‌دست آورده حاصل زحمت، هوش، تلاوت و لیاقت خودش بوده است. در صورتی که اموالش را از راه نامشروع به‌دست آورده بود. شیبانی در این سریال همه داستان را تحت‌الشعاع خودش قرار داده و اگر در داستان نمی‌مرد، قطعاً کارهای اشتباه دیگری هم از او سر می‌زد. ضمن این‌که برخلاف سایر پدرهایی که در اغلب سریال‌ها می‌بینیم، هیچ‌گونه وابستگی نسبت به دخترانش ندارد و مدام آنها را ملامت می‌کند و فقط نگران فرهاد است. البته معتقدم که شیبانی شخصیت کاریزماتیک دارد و از همین ویژگی برای ازدواج با ناهید استفاده کرده است. ضمن این‌که شخصیت منفوری ندارد و این اتفاق تازه‌ای در یک آثار هنری نیست. ما در فیلم‌ها و سریال‌های بسیاری شاهد بودیم که شخصیت‌های منفی جذاب بودند و اتفاقاً مخاطب با آنها ارتباط بهتری هم برقرار می‌کند و تحت تاثیر چنین شخصیت‌هایی قرار می‌گیرد. درباره شیبانی هم این اتفاق افتاد و من از عده‌ای شنیدم که می‌گفتند شیبانی آدم باحالی است.

۴۳ پس یکی از دلایلی که باعث می‌شود چنین نقش‌هایی را بازی

کنید، همین مسائلی است که بیان کردید؟

شاید این‌طور به نظر برسد اما من هیچ‌وقت دنبال این نبودم که نقشی را بازی کنم که در فیلم‌نامه منفی است اما جذایت‌هایی هم دارد. کارگردان‌ها هستند که من را برای چنین نقش‌هایی انتخاب می‌کنند. البته این هم گاهی اوقات به فیلم‌نامه‌ها برمی‌گردد، چون گاهی پیش می‌آید که فیلم‌نامه نوشته می‌شود و بعد به‌دنبال بازیگر مناسبی برای آن نقش می‌گردند. گاهی هم اتفاق می‌افتد که نقش را در فیلم‌نامه براساس ویژگی‌های آن بازیگر می‌نویسند.

مثلاً کسی که یک فیلم‌نامه جدی می‌نویسد، می‌بیند که جعفر مسعود رایگان برای این نقش مناسب‌است و براساس ویژگی‌های بازی او شخصیت‌پردازی می‌کنند. از این دست موارد در آثار هنری زیاد می‌توان نام برد. بنابراین من چنین وسواسی در نقش ندارم و دنبال چنین اتفاق خاصی نیستم. من بازیگر هستم و در ابتدا توسط کارگردان‌ها انتخاب می‌شوم. در این سریال

هم این اتفاق افتاد و من پیش از این با آقای معظمی کار کرده بودم و به‌واسطه شناختی که از من و بازی‌ام داشت، من را برای نقش شیبانی انتخاب کرد. بسیار همکاری خوبی با هم داشتیم. البته بین مارتاقت وجود دارد اما هیچ‌وقت ما به خاطر رفاقت با هم همکاری نکرده‌ایم. من فکر می‌کنم اگر با هم رفاقت هم نداشتیم، من را برای نقش شیبانی

به کلاهبرداری با شگرد «برنده‌شدن در مسابقه و درخواست ارسال رمز و کد» گفت؛ حتی اگر یک نفر در برنامه تلویزیونی یا رادیویی برنده شده باشد به‌هیچ‌عنوان کسی درخواست نمی‌کند که شخص برنده‌شده کدی ارسال کند و این درخواست کلاهبرداری است. یاشایی با بیان این‌که کلاهبرداران گاه به‌راحتی صدای مجریان را هم تقلید می‌کنند، گفت: گاه این صداها را از قبل ضبط کرده‌ود در یک محیط استودیویی عده‌ای شروع به تشویق می‌کنند. ما بسیار اطلاع‌رسانی کردیم و در همین روزهای

اخیر یکی از تصویرپردازان که بارها در شبکه خبر روی‌روی بنده ایستاده چندین میلیون تومان خود را در قالب مسابقات رادیویی دروغین از دست داده است. معاون اجتماعی پلیس فتای فراجا توضیح داد: برخی مجرمان حرفه‌ای ممکن است اطلاعات زمینه‌ای نظیر حساب بانکی یا آدرس افراد را هم داشته باشد و بنده اگر بگویم این شماره‌ها را از کجا استخراج می‌کنند شیوه و شگرد مجرمانه را لو داده‌ام. همچنین گاه از سهل‌انگاری یک اپراتور یا صاحبان کسب‌وکار سوء استفاده می‌شود.



از تصویر و صدای خودم خوشم نمی‌آید اما این سریال از برخی جهات باعث شده مورد توجه بیننده‌ها قرار بگیرد. یکی حضور بازیگر خارجی در این سریال در نقش بریژت است که به زبان فارسی هم صحبت می‌کند و این نکته برای مخاطب جالب است. از طرفی سریال‌ها و فیلم‌هایی که لوکیشن‌های خارج از ایران هم دارد برای مخاطب تماشایی است و علاقه‌مند است سریالی را از تلویزیون تماشا کند که جذایت‌های یک کشور دیگر را هم به تصویر کشیده است. نکته دیگر این‌که روابط و فضای خانوادگی که در این سریال حاکم است، می‌تواند برای هر مخاطبی ملموس و قابل باور باشد، چون ما در اطراف‌مان با چنین افرادی از جنس شیبانی، پیمان یا مهرداد یا هر کدام از شخصیت‌های این داستان آشنا هستیم. ضمن این‌که کار امنیتی است و مخاطب هم با سریال‌های پلیسی و امنیتی ارتباط برقرار می‌کند.

۴۴ یکی از نکاتی که درباره بازی شما وجود دارد این است که کمتر با گریم و چهره متفاوتی در فیلم‌ها و سریال‌ها بازی می‌کنید. این قضیه به انتخاب و نظر شما برمی‌گردد یا این‌که کارگردان‌ها ترجیح می‌دهند شما با همین ظاهر و فیزیکی که دارید. در آثارشان بازی کنید؟

می‌توانم بگویم هم خودم دوست ندارم با گریم و چهره دیگری بازی کنم و هم این موضوع به نظر و سلیقه کارگردان‌ها هم مربوط می‌شود. ضمن این‌که در یک فیلم برایم کلاه‌گیس گذاشتند و گریم خاصی داشتم اما نه خودم آن‌ام چهره خوشم آمد و نه بیننده خوشش آمد. من فکر می‌کنم مردم هم احسان امانی را با همین شکل و شمایل دوست دارند ببینند، چون این را در اظهار نظرها و واکنش‌هایی که داشتند متوجه شدم. یعنی از روی تجربه می‌گویم. البته من قابل قیاس با خیلی از بزرگان سینما نیستم و قصد این کار را هم ندارم. یول برینر را هیچ‌کسی با من ندیده است یا تالی ساوالاس را هیچ کسی در طول عمرش با من ندیده است، به نوعی برای خودشان یک شخصیت درست کرده‌اند.

۴۵ فکر می‌کنم فقط در سریال «ماه و پلنگ» شما نقش یک پدر مهربان را بازی کردید و در تمام آثاری که حضور داشتید ایفاگر شخصیت‌های منفی بوده‌اید.

(می‌خندد). البته به جز ماه و پلنگ در برخی فیلم‌ها و سریال‌ها نقش پدر مهربان و آدم خیر را هم بازی کرده‌ام اما نقش‌های منفی که بازی کردم بیشتر در ذهن مخاطب مانده است. خودم هم این نقش‌ها را بیشتر دوست دارم. البته می‌دانید که نقش منفی بازی کردن واقعا سخت‌تر از بازی در نقش‌های مثبتی است که یک‌سری المان برای بازی دارد.



درنگ

بازی در «مجرمانه»

امانی درباره سریال جدیدی که در حال تصویربرداری است و او هم ایفاگر یکی از نقش‌های این سریال است، می‌گوید: من مدتی است در سریال «مجرمانه» بازی می‌کنم که برای موسسه فرهنگی هنری شهید آوینی است و به موضوع دارو در این سریال هم پرداخته شده است و در این سریال هم نقش منفی بازی کرده‌ام. البته به دلیل مشکلی که در مچ پایم به وجود آمده و نمی‌توانم بازی‌ام را ادامه بدهم، ممکن است سرنوشت این شخصیت در داستان تغییر کند.



وصالی گفت: سواد رسانه‌ای یک اتفاق جدا افتاده از بقیه موارد نیست و ما درباره یک مهارت صحبت می‌کنیم؛ این مهارت در زندگی روزمره به کار می‌رود بنابراین در این حالت بیش از هر چیزی باید در نظر بگیریم زمانی‌که کسی می‌خواهد کلاسی دهد نیازمند یک ارتباط اغتایی است و بحث روان‌شناسی رفتاری را باید در نظر بگیریم. مومنی‌ها در پایان برنامه با بیان این‌که ضرورت و گفتمان سازی در بحث سواد رسانه‌ای و تنظیم‌گری صوت‌تصویر فراگیر بیش از پیش احساس می‌شود، تاکید کرد: باید با ترویج بُعد اجتماعی تنظیم‌گری به این حوزه پرداخت و در حوزه روان‌دانی شبکه ملی باید اقداماتی انجام شود زیرا تازمانی که انجام نشود ما مشکلات بسیاری خواهیم داشت.

پر درنا

مریم فلاح، پیرمردی که در سرما ی زمستان برای شکار رفته است، درنا ی زخمی را پیدا کرده و به خانه می‌آورد. پیرمرد به کمک همسرش درنا را مداوا می‌کند. مدتی بعد دختری به خانه آنها آمده و با دستگاه بانفدگی پیرزن برایشان پارچه‌هایی از پر می‌بافد. از قضا مرد پولداری به قیمتی گزاف آنها را خریده و به این ترتیب وضعیت زندگی این زوج پیر خیلی خوب می‌شود. زمستان دیگر که باز سر و کله مرد ثروتمند پیدا می‌شود، می‌خواهد که در ازای پرداخت سکه‌های طلا، دختر برایش پارچه ببافد. دختر علی‌رغم میل باطنی، با قلبی شکسته به اجبار مرد به اتاق بانفدگی می‌رود. مدتی بعد زوج پیر به اتاق می‌روند و می‌بینند که درنا زیبایی پشت دستگاه بانفدگی نداشته و از پرهایش پارچه می‌بافد. پرنده با دیدن پیرمرد و پیرزن وحشت زده به طرف پنجره رفته و ازخانه خارج می‌شود. درنا در حالی که از خانه دور می‌شود پری از بال او جدا شده و در مقابل نگاه حیرت زده پیرمرد و پیر زن در آتش افتاده و خاکستر می‌شود و...



یوتیوب:درباره سینما

جام جم

رسانه

MEDIA

سه شنبه ۲۰ دی ۱۴۰۱ ۶۴۳ شماره

نکاه

پشت آن چهره آرام

احمدنجبر روزنامهنگار نخستین مواجهه‌ام با داوود میرباقری به سریال «امام علی(ع)» برمی‌گردد. فردای روزی که سریال پخش می‌شد، معلمی داشتم که اتفاقات سریال را برای من تحلیل می‌کرد. برای ما که دانسته‌های‌مان از تاریخ اسلام، محدود به کتاب‌های درسی و سخنرانی منبری‌ها می‌شد، آنچه میرباقری روایت می‌کرد، متفاوت و تازه بود. میرباقری، سبکی تازه در سریال سازی تاریخی،مذهبی پیشنهاد داده بودو با بهره‌گیری از عناصر درام، مثل بزرنگ‌کردن قصه قطام، توانست خاص و عام را با خود همراه سازد. کسانی که تجربه زیست در میانه دهه ۷۰ دارند، خوب یادشان هست که سریال امام علی(ع) چه نوعایی به پا کرده بود؛ از دیالوگ‌های خاص بگیر تا شخصیت‌هایی مثل مالک‌اشتر و دیگران و البته موسیقی ماندگار فرهاد فرخ‌الدینی.

زمان گذشت و بیش از یک دهه بعد نوبت به پخش «مختارنامه» رسید. جایی که میرباقری در کارگردانی پخته‌تر شده بود و با بهره‌مندی از تجربه آثار پیشین، سریال محبوب دیگری تحویل مخاطبان داد. یادآوری میزان اقبال عمومی از مختارنامه و بازپخش مکرر آن، گوشه‌ای از اهمیت کار سترگ میرباقری را یادآور می‌شود. «معصومیت اذ دست‌رفته» که در فاصله این دو سریال روی آنتن رفت، دیگر شاهکار هنرمندانه میرباقری در روایت تاریخ است که در نهایت زیبایی، چالش کفر و ایمان را به تصویر می‌کشد.



داوود میرباقری در همه این سال‌ها دل در گرو ساخت سریال «سلمان فارسی» داشت که هر بار تولید آن به مشکل برمی‌خورد. حالا این آرزوی دیرینه محقق شده و مخاطبان چشم‌انتظارش هستند. چه ازای در زندگی سلمان است که میرباقری همواره با حسرت از ساخته‌شدنش گله می‌کرد؟ نام این صحابی پیامبر اسلام (ص) برای ایرانی‌ها آشنا و محترم است و همه می‌دانند چه جایگاه رفیعی دارد اما مگر پیشتر کسی با مختار ثقفی و مه‌تر از او، با پیشوای اول شیعیان، غریبه بود؟ این میرباقری است که در قالب یک درام پرماجرا، زندگی ایشان را به تصویر کشید و وجهی دیگر از آنها و زمانه‌شان را پیش‌روی مخاطب قرار داد. از این معبر است که تماشای زندگی سلمان فارسی توام با هیجان است؛ خاصه آن‌که میرباقری در سریال جدید از نظر تکنیکی و مسائل مربوط به تولید، گام بلندتری برداشته.

میرباقری فقط یک تکنیسین نیست؛ او تاریخ می‌داند، بر فن درام تسلط کامل دارد، دیالوگ‌هایی می‌نویسد که در عین همه‌فهم‌بودن، دارای وزن، صلابت‌کلام و معنای خاص هستند، شخصیت‌هایی همراهی برانگیز می‌سازد و درنهایت می‌داند چگونه تاریخ را از زاویه‌نگاه خود روایت کند که «همه» شیفته‌شان شوند. این است که سریال‌های امام‌علی(ع)، معصومیت اذ دست‌رفته، مختارنامه و فیلم مسافر سر آرمَد آثار تاریخی ـ مذهبی می‌شوند و نمونه‌های دیگر به‌رغم همه ارزش‌ها چنین مرتبه‌ای به‌دست نمی‌آورند.

هنر میرباقری محدود به آثار تاریخی ـ مذهبی نمی‌شود. مگر می‌توان اعتبار و وجهات سریال‌های «گرگ‌ها» و «رعنا» را از یاد برد؟ مگر می‌شود ماجراجویی او در ساخت فیلم‌های «آدم‌برفی» و «ساحره» و سریال‌های خانگی «شاه‌گوش» و «ندندون طلا» را نادیده گرفت؟ پشت این چهره آرام و مهربان، آشوبی به‌یاست که جز با ساخت آثاری که دگرشان رفت، آرام نمی‌گیرد، آثاری که وجود فقط یکی از آنها در کارنامه هر کارگردان، برای حکم دادن به موفقیت او کفایت می‌کند.

چهره

۴۵ سالگی بازیگر

«مختارنامه»

حدیث فولادوند ۴۵ ساله شد. بازیگری که

فعالیت هنری‌اش را از کودکی آغاز کرد، در ۱۲ سالگی زیر نظر گلاب آدینه آموزش دید و در نمایش «گل‌های دوستی» روی صحنه رفت. وی برای اولین بار نقش کوتاهی را در فیلم «دست‌های آلوده» به کارگردانی سیروس الوند بازی کرد و بدین ترتیب اولین حضورش را در سینما در سال ۱۳۷۸ اعلام نمود. او که پس از گزایش به هنرهای مختلف ازجمله موسیقی و نقاشی اکنون خود را در بازیگری موفق می‌دید یک سال بعد از اولین تجربه خود، در فیلم سینمایی مارال به کارگردانی مهدی صباغ‌زاده هنرنمایی کرد. همچنین درخشش

فولادوند در تلویزیون با بازی در سریال تلویزیونی «گمشسته» آغاز شد. او همچنین در مجموعه‌های تلویزیونی معمای‌شاه، مختارنامه، گارد ساحلی، سال‌های خاکستری، دیوار شیشه‌ای و معصومیت اذ دست‌رفته بازی کرده‌است. او حتی تجربه کار برای کودک‌ونوجوان را هم داشته و در مجموعه «محل گل و بلبل» ایفای نقش کرده است. فولادوند در زمانی که تولید و پخش تله‌فیلم‌ها در تلویزیون رونق داشت در آثار بسیاری حضور پیدا کرد. ازجمله تله‌فیلم‌های: کار و پتیر، عروس کوهستان، بوی‌گندم و خاطره.

